

نقوش اساطیری - مذهبی مهرها و اثر مهرهای استوانه‌ای در ایلام باستان

چکیده

ایلام نام قدیمی‌ترین تمدن و حکومت شکل گرفته در فلات ایران است که از هزاره سوم ق.م به بعد، بر بخش وسیعی از جنوب غرب و غرب ایران حاکمیت داشتند. این تمدن با مرکزیت شوش به عنوان کانون تجارت فلات ایران با دیگر سرزمین‌های همجوار نظیر «میان‌رودان» بود. یکی از مهم‌ترین عناصر هنری تمدن ایلام را می‌توان مهرهای استوانه‌ای آن‌ها دانست. مسئله‌ای که اینجا مطرح است چگونگی و میزان ارتباط مهرها با مذهب و انگاره‌های مذهبی است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به دنبال واکاوی میزان ارتباط مهرها و اثر مهرهای دوره ایلامی با مذهب و عناصر مذهب یاست. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مهم‌ترین نقوش مهرهای استوانه‌ای ایلام به نقوش اساطیری- مذهبی، اختصاص یافته است که در غالب موارد نمودی از خدایان، مراسم‌های مذهبی و یا شاهان ایلامی می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت ایلامی‌ها در ابتدا خدایان خود را به شکل حیوان تجسم می‌کردند. از اواخر هزاره چهارم خدایان در اشکال ترکیبی حیوانات رواج یافت. در اواسط هزاره سوم این اشکال جای خود را به خدایان ترکیبی حیوان- انسان داد و پس از شروع نیمه دوم هزاره سوم ق.م خدایان به شکل انسان تجسم یافتند. در نهایت طی هزاره اول ق.م نخستین گام‌های تبدیل این خدایان به ایزدانی مجرد و نادیدنی برداشته می‌شود و بر مهرها و اثرمهرها خدایان نیز به این شکل ترسیم شده‌اند.

اهداف تحقیق

۱. واکاوی تأثیر عنصر مذهب بر مهرها و اثرمهرهای دوره ایلامی
۲. مطالعه سیر تکامل و تکوینی نقوش مهرهای مذهبی در دوره ایلامی

سوالات تحقیق

۱. مذهب و عناصر مذهبی چه بازتابی در مهرهای دوره ایلامی داشته‌اند؟
 ۲. نقوش مهرها و اثر مهرهای مذهبی دوره ایلامی چه سیر تکوینی داشت است؟
- واژگان کلیدی:** ایلام باستان، مهرهای استوانه‌ای، اثر مهر، نقوش اساطیری- مذهبی

مقدمه

نام‌واژه‌ی ایلام از واژه‌ی Elamtu اکدی به معنای «سرزمین مرتفع» گرفته شده است. امپراطوری ایلام باستان با مرکزیت شوش در نهایت گسترش تاریخی خود از اوایل هزاره سوم ق.م تا اواسط هزاره اول ق.م، به بخش بزرگی از مناطق غربی و جنوبی سرزمین ایران اطلاق می‌گردد که شامل استان‌های امروزی خوزستان، فارس و بخش‌هایی از لرستان، کردستان و کرمان است. شوش به عنوان تختگاه اصلی ایلامیان در زمینه بازرگانی بسیار فعال بوده و به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی خویش، کانون تحرکات تجاری در داخل مناطق مختلف فلات ایران و سایر سرزمین‌های همجوار بوده است. علاوه بر شوش، مراکز تجاری دیگری در ایلام فعال بوده‌اند، «چغازنبیل»، «هفت‌تپه» و «جغامیش» و «تپه‌ملیان» از جمله آن‌ها بوده‌اند. «چغازنبیل» و «هفت‌تپه» متعلق به دوره ایلام میانی است و از آن‌ها مهرها و اثر مهرهای فراوانی یافت شده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این تمدن را عنصر مذهب می‌دانند که نقش بسیار مهمی در زندگی روزمره آنان داشت. قدیمی‌ترین سند مکتوب در مورد مذهب ایلامی‌ها از حفاریات شوش به دست آمده که از دوره پادشاهی «هیتا» یازدهمین پادشاه سلسله آوان است که در حدود ۲۲۴۰-۲۲۷۰ ق.م حکومت می‌کرد. نشانه‌های مذهبی بودن مردمان ایلام باستان را می‌توان بر روی الواح سنگی، نقوش برجسته‌ها، مجسمه‌ها، استل‌ها، آجرنوشته‌ها، ظروف و به خصوص مهرهای استوانه‌ای و اثر مهرهای استوانه‌ای مشاهده نمود. اهمیت مذهب به حدی در تمدن ایلام زیاد است که محققان تعداد خدایان ایلامی در طول دوره دو هزار ساله حکومت آن‌ها را بسیار زیاد دانسته‌اند که تعداد هفتاد خدای ایلامی را نیز تاکنون شناسایی کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین عناصر هنری برجای مانده از تمدن ایلام مهرهای استوانه‌ای هستند که می‌توانند نقش مهمی در بازشناسی سیر مذهبی در تمدن ایلامی داشته باشد.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان انجام نشده است اما مقالاتی درباره مهرهای استوانه‌ای در دوره ایلامیان انجام شده است. عزت‌اله نگهبان طی حفاری‌های انجام شده در هفت تپه در رابطه با کاربرد مهرها می‌گوید: «انگیزه به وجود آمدن این صنعت را می‌توان در علاقه بشر نسبت به شناساندن خویش و نمایش حق مالکیت جستجو نمود» (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۰۶). طلایی، در کتاب خود با عنوان «مهر در ایران از آغاز تا صدراسلام»، در این باره نوشته است در مهرهای مسطح اغلب سبک قدیمی تر نقوش هندسی استفاده می‌شده است اما نقوش مهرهای استوانه‌ای به نوعی بخشی از اعتقادات، باورها، جهان‌بینی و به طور کلی جنبه‌های معنوی تمدن و فرهنگ ایلام را نشان می‌دهند. آنچه که در مورد مجموعه مهرهای دوره ایلام بیشتر از هر موضوعی جلب توجه می‌کند، تنوع عناصر نقشی و موضوعات حکاکی شده بر روی آنهاست. نقوش حیوانات مختلف از وجوه بارز آن است که در طول دوران دو هزار ساله تمدن و فرهنگ ایلام دیده می‌شود که بدون تردید بیانگر راز و رمزها، باورها، اعتقادات و آداب و رسوم ایلامی‌ها بوده است. به غیر از نقوش حیوانی بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلامی، نقوش اساطیری نیز به طور مستمر از آغاز پیدایش تمدن ایلام تا افول آن مورد استفاده قرار گرفته است (طلایی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۳). در رابطه با

نقوش مهرهای ایلام نویسندگانی چون پیرآمیه (۱۳۷۲. ۱۹۷۲، Amiet) در مورد مهرهای شوش، چغازنبیل توسط ادیت پرادا (۱۳۸۶. ۱۹۷۰، Porada)، هفت تپه (۱۹۹۱، Negahban)، دمیروشجی (۱۹۸۱، De miroschedji)، والتر هینتس (۱۳۷۱)، جوزی (۱۳۷۲) آثاری از خود برجای نهاده‌اند. سایر محققین چون ملک‌زاده بیانی (۱۳۶۳)، دنیل پاتس (۱۳۸۵)، یوسف مجیدزاده (۱۳۸۶)، محمدرحیم صراف (۱۳۹۱) و نیز طلایی (۱۳۹۳) در این رابطه مطالبی جسته و گریخته به رشته تحریر درآورده‌اند. همچنین آقای روح از دانشگاه سیدنی استرالیا با عنوان مهرهای ایلامی در سال ۲۰۰۸ در قالب پایان‌نامه دکتری خویش پژوهشی به انجام رسانیده است (Roach, ۲۰۰۸). مقالاتی نیز در این زمینه به نگارش درآمده است که شامل مقاله نقوش اساطیری مهرهای استوانه‌ای ایلام (مهرآفرین، ۱۳۸۰) و صحنه‌های اساطیری در مهرهای استوانه‌ای ایلام و بین‌النهرین باستان (Ghaempanah et al, ۲۰۱۴) است. هرچند تاکنون این پژوهش‌ها در مورد مذهب ایلام و مهرهای استوانه‌ای اساطیری انجام پذیرفته است اما تاکنون پژوهش منسجمی در مورد سیر تحول خدایان و اساطیر بر روی مهرهای استوانه‌ای انجام نگرفته است، این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به شناسایی مهرهای استوانه‌ای مذهبی - اساطیری و شخصیت‌های موجود بر مهرهای ایلامی و بررسی سیر تحول آن‌ها در دوره ایلام بپردازد.

نتیجه‌گیری

ایلامیان باستان مردمانی به شدت مذهبی بودند که در عین حال از پیشرفت‌های شهرنشینی و تجاری فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده‌اند. همین امر موجب شد که هنر مهرسازی در زمینه مهرهای استوانه‌ای و نقوش حکاکی شده بر روی آن‌ها از پیشرفت فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد. مهم‌ترین نقش‌مایه مهرهای استوانه‌ای متعلق به نقوش مذهبی است. در دسته‌بندی نقوش مذهبی، نقوش خدایان و الهه‌های ایلامی و میان‌رودانی به وفور دیده می‌شود که همواره به صورت مجزا و یا گروهی با همدیگر به نمایش درآمده‌اند. این دسته نقوش شامل داستان‌های اساطیری از زندگی خدایان و یا الهه‌هایی است که در بین مردمان ایلام باستان وجود داشته اما هم‌اکنون برای ما ناشناخته مانده است و فقط گوشه‌هایی از آن‌ها به روایت تصویر درآمده است. در دوره ایلام قدیم، الهه‌هایی نظیر «پی نیکیر» و «کی ری ریشا» به عنوان مادر خدایان ایلامی حائز اهمیت بوده‌اند اما در اواخر ایلام قدیم به مرور خدایان مذکر نظیر «هومبان» و «اینشوشیناک» اهمیت پیدا می‌کنند. در این دوره، مذهب و هنر مهرسازی بسیار تحت تأثیر میان‌رودانی‌ها قرار داشت. ولذا نقوش خدایان متعدد میان‌رودانی نظیر «شمش»، «یشتار»، «نرگال» و «سین» با نمادهای آن‌ها چون خورشید و ماه و یا ستاره به نمایش درآمده است. به نظر می‌رسد این تعدد نقوش خدایان میان‌رودانی فقط جنبه اعتقادی صرف نداشته است بلکه بخشی از آن به خاطر نفوذ سیاسی حکومت اکدی‌ها و سومر نو در هزاره سوم ق.م بوده است. اوج هنر مهرسازی ایلام در دوره ایلام میانه است که نقوش مذهبی بسیار متنوع شده و بیشترین میزان نقوش را جانوران اساطیری و ترکیبی در بر گرفته‌اند. در این دوره «اینشوشیناک» به عنوان مهم‌ترین خدای ایلام باستان مطرح می‌شود که نقش‌مایه مار را به صورت رئالیستی یا ترکیبی با سر انسان به عنوان نقش اختصاصی این خدا می‌شناسند. «اینشوشیناک» در این دوره همواره با مار همراه شده است و مقام وی به حدی ترقی می‌کند که به خدایان دیگر و

پادشاهان ایلامی حلقه قدرت می‌دهد. در این دوره اسفنکس‌ها(انسان- حیوان) و گریفن‌ها(حیوان- حیوان) با شکل‌های مختلف و متنوع به شدت بر روی مهرهای استوانه‌ای رواج پیدا می‌کنند که به عنوان نمادهایی از خدایان گوناگون و تصاویری از روایات اساطیری مختلف را بیان می‌کنند. هم‌زمان با این تحولات از میزان مهرهای مذهبی با نقوش میان‌رودانی کاسته می‌شود و برعکس ایلام قدیم، بیشتر به خدایان ایلامی اختصاص می‌یابد. بنابراین اوج هنر مهرهای استوانه‌ای با نقوش مذهبی- اساطیری مربوط به دوره ایلام میانه است که بر روی تعداد زیادی از مهرهای شاهی نیز کتیبه اضافه می‌گردد. این کتیبه‌ها معمولاً معرف نام پادشاه و یا صاحب مهر است که در موارد متعددی روبروی خدایی بر تخت نشسته قرار دارند. «اسفنکس‌ها» به عنوان موجوداتی نیمه انسان- نیمه حیوان همواره نقش محافظتی و نگهبان دارند و اهمیت آن به حدی زیاد می‌شود که حتی تصاویر مار با سر انسان به نمایش می‌گذارند. در دوره ایلام نو هنر مهرسازی از روی نقش کاسته شده و تعداد کمتری از مهر استوانه‌ای به صورت پراکنده به دست آمده است که دلیل آن حملات مداوم آشوریان بوده است اما به‌طور قطع هنر مهرسازی کماکان با شکوفایی و اعتبار کمتری دنباله‌رو هنر مهرسازی ایلام میانه بوده است. لذا در مورد هنر مهرسازی می‌توان گفت که سیر تحول خدایان ابتدا متأثر از خدایان «میان‌رودانی» با نمود انسانی بوده است و هم‌زمان با آن در دوره ایلام قدیم با اهمیت کمتری، جانوران اساطیری-ترکیبی به عنوان خدایان اصیل ایلامی نقش بسته است. در دوره ایلام میانه با اهمیت یافتن «اینشوشیناک» و نمادهای دیگر به‌طرز قابل توجهی از خدایان میان‌رودانی کاسته شد و به تعداد جانوران اساطیری اضافه گردید. این فرایند در دوره ایلام نو با اهمیت کمتری به دلیل مشکلات سیاسی و اقتصادی تداوم یافت.

منابع

- آمیة، پیر(۱۳۷۲)، تاریخ ایلام، مترجم شیرین بیانی، ج اول، تهران: دانشگاه تهران.
- بلک، جرمی، گرین، آنتونی(۱۳۸۳)، فرهنگ‌نامه خدایان (دیوان و نهادهای بین‌النهرین باستان)، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- بهزادی، رقیه(۱۳۸۳)، قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، تهران: فرهنگ معاصر.
- پاتس، دنیل‌تی(۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
- پرادا، ایدت با همکاری رابرت دایسون و چالز ویلکینسون(۱۳۸۶)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- جابر، گرتروود(۱۳۷۰)، سمبل‌ها، کتاب اول جانوران، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: جهان‌نما.
- جوزی، زهره(۱۳۷۲)، مذهب ایلام با نگرشی بر مهرهای استوانه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- دوبوکور، مونیک(۱۳۷۳)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.
- رضایی آذر، ندا(۱۳۸۷)، «کهن‌مهرها نشانه هویت و مالکیت»، دو فصلنامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، ش ۲، صص
- طلایی، حسن(۱۳۹۳)، مهر در ایران از آغاز تا صدراسلام، ج دوم، تهران: سمت.

کامرون، جرج گلن (۱۳۷۲)، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه محسن انوشه، ج دوم، تهران: علمی فرهنگی.
کوپر، جی.سی (۱۳۸۲)، فرهنگ نگاره‌ای نمادهای کهن، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: صبحدم.
کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۷۳)، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، چ اول، تهران: نشر مرکز.

لینتون، رالف (۱۳۷۵)، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، چ ۲، تهران: دانش.
ملک‌زاده بیانی، ملکه (۱۳۶۳)، تاریخ مهر در ایران از هزاره چهارم تا هزاره اول، چ اول، تهران: یزدان.
مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶)، تاریخ و تمدن ایلام، ج دوم، تهران: نشر دانشگاهی.
نگهبان، عزت‌اله (۱۳۷۲)، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، چ اول، تهران، میراث فرهنگی
هینتس، والتر (۱۳۸۷)، شهرپاری ایلام، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ماهی
----- (۱۳۷۱). دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز نیا، چ اول، تهران، علمی فرهنگی.

همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۹)، «مهرها و نشانه‌های استوانه‌ای ایران باستان»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱، صص
Amiet, Pierre, (1966). *Glyptiquesusian*, memoires de la delegation en Persian, XLIII, Volume I-II, France

-----, (1966). *Elam*, France.

Amiet, pierre (1972), *Glyptique Susienne*, Memoires de la delegation archeologique en Iran, no.43, vol. ۲, □□□□ □□□□□□□□□□ □□□□□□.

Ackerman, Phylis, (1971). *Achaemenian seals*, B. iconography a survey of Persian art, London, oxford university press.

Buchanan, Briggs, (1966). *catalogne of ancient nearcastern seals in the ashmolean museum* volume ۷, □□□□□□□□□□ □□□□□□ □□□□□□□□□□ □□□□□□.

Colon, Dominique, (1987). *first impression cylinderseals in the ancient near ceast*, London.

De Miroschedji, P, (1981), *La Dieu Elamite Au Serpent et aux eaux Jaillissantes*, Iranica Aniqva, vol. XVI, pp: 1-25.

Ferioli, P., Fiandra, E, and tusa, s. (1979). *stamp seals and the functional analysis of their sealings at shahr-i-sokhtall-III*, van lohvizendeleewn(ed). south assian archaeology 1975, Leiden.

Frankfort, H, (1955). *stratified cylinder seals from thepiyalaregion*, the university of Chicago.

Hening, hans, (1934). *ancient oriental seals in thecollection of Mr: Edward*, newell, the university of Chicago press.

Hroda, h, (1973). *isan- Bahriyat*. I/Die evgebnisse der ausgaben, hamchen.

Kantor, Helen, (1969). *choghamish*, oriental institute publication.

Legrain, L, (1921). *Empreintes de cachetselamites*, memaires, tome, XVI, France.

Negahban, E,O, (1991), excavation at Haft Tepe Iran,

Porada, E, (1993). "cylinder seals", *encyclopedia iraniaca* vol. 6, fase: 6.

-----, (1970). *Tchogozanbil*, memoires de la de legation enpersian, tome X L11, volume IV.

Ware, Dora and manreen Stafford, (1974) *an illustration dictionary of ornament*, Great Britain.